بسمه تعالی

نوع دوم از مکاسب محرمه:

در کلام شیخ انصاری دومین قسم از مکاسب محرمه عبارت است از: تکسب به آن چیزهایی که آنچه از آنها قصد شده است، حرام است.

این نوع خود به سه دسته تقسیم می شود:

- ✓ قسم اول) آنها که با هیأت خاصه ای که دارند تنها منفعت عقلایی از آنها، منفعت حرام است. مثل آلات قمار.
- ✓ قسم دوم) آنها که منفعتشان منحصر در حرام نیست ولی متعاملان از تکسب به آنها قصد حرام کرده اند.
- ✓ قسم سوم) آنها که شأنیت آن را دارند که آنچه در آنها قصد می شود، منفعت حرام باشد.

مرحوم نائینی این قسم را به گونه ای دیگر تقسیم کرده است:

«الفصل الثّانی ما یحرم التکسب به لوجود صفة محرمة فیه أو لغایة محرّمة ثم الصّفة تارة خارجیّة و أخری معنویّة و تنقیح البحث فیه فی ضمن مسائل الأولی ما کان جهة حرمته وجود صفة خارجیّة فیه و هو علی قسمین: قسم لا یقصد من وجوده علی هذه الصّفة إلّا الحرام و قسم لا یختصّ به بل یستعمل فیه و فی الحلال أمّا الأوّل فکالصّنم و الصّلیب و الآلات المعدّة للقمار و الآلات المختصّة باللّهو و أوانی الذهب و الفضّة فإنّ هذه الأشیاء لا تکون لها منفعة محلّلة بهذه الهیئات فعلی هذا لا إشکال فی حرمة الاکتساب بها ...

و أمّا القسم الثانی کالطّبل الذی یمکن استعماله فی اللهو و الحرب و الدّراهم الخارجة التی یمکن استعمالها فی المحرّم کالبیع و الشّراء بها مع المسلمین و المحلّل کالتزین و بیعها و شرائها مع من لا حرمة لماله فلا إشکال فی أنّه یجوز التکسّب بها لو لم یقصد المنفعة المحرّمة ... الثانیة ما کان جهة حرمته وجود صفة معنویّة فیه کالجاریة المغنیة و العبد الماهر فی القمار و اللّهو و السرقة و نحو ذلک و لا إشکال فی حرمة الاکتساب به لو قصد المنفعة المحرمة ... الثّالثة ما إذا قصد فی المعاملة غایة محرمة کبیع العنب بشرط أن یعمله خمرا و بیع الخشب بشرط أن یعمله صلیبا أو صنما و لا إشکال فی حرمة هذه المعاملة و فسادها ... الرّابعة ما إذا لم یقصد المعاملة لغایة محرّمة و لکنّه یعلم یترتب الغایة المحرّمة علیها کبیع العنب ممن یعمله خمرا و بیع الخشب ممّن یعمله صنما أو صلیبا و مقتضی قواعد المعاوضة عدم حرمتها.»[1]

---

۱. منیة الطالب فی حاشیة المکاسب؛ ج۱، ص: ۱۰

توضیح:

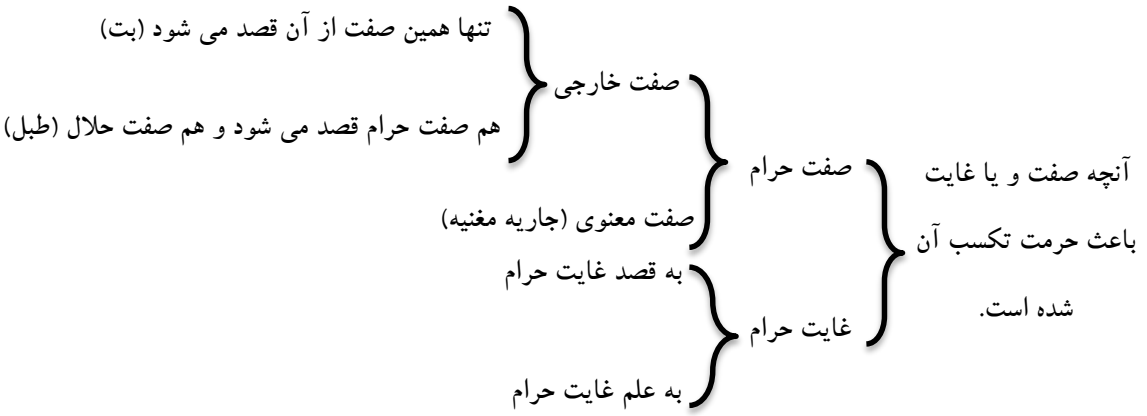

❖ قسم اول) «ما لا یقصد من وجوده علی نحو الخاص الا الحرام»

مرحوم شیخ انصاری اولین قسم از دومین نوع از مکاسب محرمه را تکسب به آن دسته از اشیاء می داند که بنا به آن نحوه ای که در حال بیع موجود هستند، منفعتی جز منفعت حرام ندارند.

مسئله: هیاکل بدعت گذارده شده برای عبادت[1]

مرحوم شیخ بیع این دسته را حرام دانسته و در این باره می نویسد:

«بلا خلافٍ ظاهر، بل الظاهر الإجماع علیه. و یدلّ علیه مواضع من روایة تحف العقول المتقدّمة–، مثل قوله علیه السلام: «و کلّ أمر یکون فیه الفساد ممّا هو منهیّ عنه»، و قوله علیه السلام: «أو شیء یکون فیه وجه من وجوه الفساد»، و قوله علیه السلام: «و کلّ منهیّ‌عنه ممّا یتقرّب به لغیر اللّه»، و قوله علیه السلام: «إنّما حرّم اللّه الصناعة التی هی حرام کلّها ممّا یجیء منها الفساد محضاً، نظیر المزامیر و البَرابِط، و کلّ ملهوٍّ به، و الصلبان و الأصنام .. إلی أن قال: فحرام تعلیمه و تعلّمه، و العمل به، و أخذ الأُجرة علیه، و جمیع التقلّب فیه من جمیع وجوه الحرکات .. إلخ».

هذا کلّه، مضافاً إلی أنّ أکلَ المال فی مقابل هذه الأشیاء أکلٌ له بالباطل، و إلی قوله صلّی اللّه علیه و آله و سلم: «إنّ اللّه إذا حرّم شیئاً حرّم ثمنه» بناءً علی أنّ تحریم هذه الأُمور تحریم لمنافعها الغالبة، بل الدائمة؛ فإنّ الصلیب من حیث إنّه خشب بهذه الهیئة لا ینتفع به إلّا فی الحرام، و لیس بهذه الهیئة ممّا ینتفع به فی المحلّل و المحرّم، و لو فرض ذلک کان منفعة نادرة لا یقدح فی تحریم العین بقول مطلق، الذی هو المناط فی تحریم الثمن.» [2]

---

۱. ممکن است مبتدعه صفت عبادت باشد به معنای هیکل های عبادت هایی که آن عبادات، بدعت نهاده شده اند.

۲. کتاب المکاسب (للشیخ الأنصاری، ط – الحدیثة)؛ ج۱، ص: ۱۱۱